

شعبه وهنی یا يك عدم نزاکتی باشد کاملاً با آقا موافق خواهم بود ولی چه اعتراضی وارد شده ؟ و چه اشکالی هست ؟ و در مقابل چه جوابهایی هست البته واجب است نوشته شود والا اگر غیر از این باشد همانطوریکه آقا میفرمایند این رایورت مفصل است بنده هم ممکن است معارضه بمثل کنم و بگویم رایورت هائی که برخلاف این باشد ناقص است .

**رئیس** - این اعتراضی که کرده اند بصورت ظاهر است نه باسناد در اینصورت گمان میکنم مذاکرات زیاد مفید نباشد (بعضی تصدیق کردند) باید رأی بگیریم اول رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزا ابراهیمخان آقاییانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد رأی میگیریم بنمایندگی آقای سردارمفخم آقاییان که تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد يك رایورت دیگر مانده است راجع با آقای آقا سید فاضل آقای آصف الممالک قرائت فرمایند

(آقای آصف الممالک رایورت شعبه را بمضمون ذیل قرائت نمودند) شعبه چهارم در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات شاهرود بسطام رسیدگی و مطابق جریان انتخابات حوزه مزبوره را با مقررات قانون از نظر دقت گذرانیده آنچه در دوسیه انتخابات آنجا مورد ملاحظه واقع گردید از قرار ذیل است :

اولاً نظر باختصار صورت مجلس انتخابات که جریان انتخابات آن حوزه را فقط از روز اخذ آراء ثبت میکند اقدامات اولیه انجمن نظارت نسبت بوظایف مقرر آنها از قبیل تعیین مدت اعلان و دادن تعرفه و غیره در صورت مجلس قید نشده است و تنها با اقداماتی که پس از اخذ آراء بعمل آمده اکتفا کرده اند ثانیاً بسطام که از توابع شاهرود بوده و میبایست در انتخابات آن حوزه شرکت نماید مشارکت ننموده است در موضوع اول نظر باینکه از رایورتهای تلگرافی و کتبی حکومت محل که در مدت جریان انتخابات بوزارت داخله گفته و نوشته زمان نشر اعلان و مدت دادن تعرفه را اطلاع میدهد واضح است که انجمن نظارت آنجا مقدمات اولیه انتخابات آن حوزه را بر طبق مواد قانونی بعمل آورد منتها از ذکر در صورت مجلس غفلت ورزیده است و چون اساساً ذکر جریان يك انتخابات در صورت مجلس برای معلوم شدن عملیات هیئت نظار و منحرف نشدن از مقررات قانون است و در این انتخاب این معنی از سایر رایورتهای و منضمات دوسیه بر شعبه معلوم گشت شعبه این تقیصه را مغل اساس انتخابات آن حوزه ندانست و در قسمت عدم مشارکت اهالی بسطام نیز مطابق آنچه از صورت مجلس استنباط میشود انجمن نظارت مرکزی شاهرود مقدمات انتخاب را در آنجا فراهم و آنان را بشرکت در انتخاب دعوت نموده بواسطه مشاجرات محلی و اختلافات داخلی تا انقضای مدت برای شرکت در انتخابات حاضر نشده اند و انجمن نظارت شاهرود مطابق ماده ۱۸ قانون حق آنان را ساقط و انتخابات را خاتمه داده است و چون نسبت بانخابات آنحوزه

در مدت قانونی هیچگونه شکایت و اعتراضی ملاحظه نشد لهذا شعبه ۴ بانفاق آراء نمایندگی آقای آقا سید فاضل را از شاهرود بسطام که با اکثریت ۱۳۳۷ رأی از ۳۹۴۵ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان رأی میدهد

**رئیس** - رأی میگیریم بصحت نمایندگی آقای آقا سید فاضل آقاییانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد آقاییانیکه بدو فقره رایورت شعبه بموم اعتراض داشتند یا حالا یا فردا تشریف بیاورند شعبه سوم که اگر مذاکراتی هست نشده که روز پنجشنبه دو رایورت مجدداً بمجلس بر میگردد جای حرفی باقی نماند .

**مدرس** - جلسه پنجشنبه خواهد بود .  
**رئیس** - اگر آقاییان موافق باشند پنجشنبه خواهد بود (بعضی گفتند صحیح است) جلسه يك ربع قبل از ظهر ختم شد .

**رئیس مجلس - موتمن الملك**

**جلسه ۴**

**صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه  
۲۲ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق ۵ برج  
اسد ۱۳۰۰**

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید .

**رئیس** - صورت مجلس قرائت میشود آقای نصرت الدوله قرائت نمودند .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)  
**حاج شیخ اسدالله** - راجع به رایورت شعبه ششم در موضوع عدل الملك شعبه و آئنی نداده بود که مخالفتی داشته باشد که بعنوان مخالفت به تاخیر بیافتد رایورت شعبه این بود که راجع بترجمه و شرح قانون مجلس باید قضیه را حل کند .

**رئیس** - صحیح است اصلاح میشود غیر از این دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر) پس صورت مجلس تصویب شد . چند فقره را پورت است که در جلسات قبل قرائت شده مجول شده است با امروز اول رایورت راجع با آقای فتح الدوله طبع و توزیع شده است نسبت بان رایورت مخالفی هست ؟

**مدرس** - بنده مخالفم .  
**رئیس** - بفرمائید .

**مدرس** - دوره های سابق نظریات در اعتبار نامه ها مبنی بر يك مداومه هائی بوده که البته آقاییان که تشریف داشته اند مستحضرند در این دوره چون انتخابات خیلی طول کشیده بنده شخصاً بنا را بر این گذاشتم که دو چیز را مطمح نظر قرار دهم یکی آن خلاف قانونهائیکه با اصول قوانین مسلمه شده یکی هم آن چیزهائیکه بسیاست بر میخورد که در آتیه و حالیه بضرر مملکت است فقط بنده بر آنچه اظهار عقیده میکنم مبنی بر این فلسفه است و از جمله آنهائیکه با اصول قانون انتخابات و قوانین مسلمه بر میخورد انتخابات نجف آباد است ، اصفهان یکجائی نیست مثل عربستان و ترکمان و جاهای دور دست از تمدن که بشود يك مسامحه هائی کرد مثلاً حسب الامر يك انتخابی کرد من با اطلاعاتی که دارم و شاید تعقیبش در دوسیه باشد و بعضی هم بواسطه مانع اصلان شده باشد انتخاب نجف آباد - کرون و فریدن و چهار

مجال و غیره که عبارت از بیست فرسخ طول و تقریباً ۵ و ۶ فرسخ عرض باشد بغير اختیار مردم واقع شده و بکلی از تحت اختیار مردم خارج بوده اصفهان بعد از آذربایجان نقطه بروز و ظهور آزادیست و وضعیات آنجا نسبت به بعضی مجال چنین شده است که حالا بکلی شرح آن خارج از وظیفه ماست در خصوص انتخابات آنجا مثلاً کسی را که احتمال میرفت انتخاب شود و بعضی اوقات هم برای انجمن ولایتی و غیره انتخاب شده بود او را تبعید کردند عرض من اینست بعضی شرایط انتخابات ممکن است قابل مسامحه باشد از قبیل مدت اعلان و امثالها اما اجباری و غیر اختیاری بودن قابل مسامحه نیست اگر آقاییان و کلاء باز رجوع بدوسیه و تحقیقات خارجی این مسئله را فهمیدند با عقیده من موافقت فرمایند این مسئله چون اساساً اهمیت دارد باید اگر لازم شود کمیسیون تشکیل شود و اگر بخواهند شخصی را هم بفرستند که به بینند به چه مجبورت مردم این انتخاب را کرده اند باید فرستاده شود دیگر عرضی نداشتم .

**جلیل الملك** - چون بنده مخبر شعبه دویم و از دوسیه اطلاعاتی داشتم این است باندازه که در دوسیه باشد جواب عرض میکنم اینکه آقای مدرس فرموده اند البته صحیح است اغماض نباید کرد در يك انتخاباتی که مبنی بر تهدید و تطمیع باشد یا یکی از مواد قانون در آنجا نقص شده باشد باید حتی المقدور از آن جلوگیری شود یا آن انتخابات لغو شود ولی چیزیکه هست ما از دوسیه چیزی نفهمیدیم که دلیل بر صحت این فرمایشات باشد صورت مجلس حاکی است که انتخابات آنجا از روی قانون و جریانات قانونی ترتیب داده شده چند فقره شکایت هم از آن جا باسبم کمپانی و سیم ایرانی مخبره شده و بعضی شکایاتی هم رسیده عموماً مبنی بر اینکه اهالی را برای انتخاب آزادنگداشته اند و بعضی هم شکایت کرده اند که آقای فتح الدوله معروفیت محلی نداشته اند چون ایشان در اصفهان مدعی العموم بوده اند - شعبه تصور کرد که آن شکایاتی که راجع بعدم معروفیت محلی میکنند وارد نیست بجهت اینکه يك مدعی العموم را البته باید اورا بشناسند ولی مراتب دیگری که شکایت از عدم آزادی ظلم حکومت است نسبت با اهالی چون شکایاتی که وارد شده است و تلگرافی که رسیده اغلب امضاها آنها یکی است و اشخاص معلوم الهویه هم نبودند که درست شعبه مهر و امضای آنها را بشناسد و تحقیقاتی بکند ورأی خودش را در صحت آن شکایات بدهد و چون فقط شکایاتی که شده از اشخاص غیر معلوم و اشخاص معدود است که در تمام این مکاتیب و تلگرافات امضاها تقریباً یکی است وقتی بشبه دوسیه مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود تمام امضاها یکی است و شعبه هم اطلاعات خارجی در این خصوص نداشته و نتوانسته تحقیق کند فقط صبر کرد که در این مدت یکماه مقرر هر کس شکایاتی دارد بمجلس شورایی بکند یکی از شکایات این بود که حکومت ما را آزادنگداشته است هم حکومت تغییر کرده بود و هم وضعیات تغییر کرده بود البته آنها آنقدر آزادی داشتند که مجدداً شکایت بکنند و شکایات خودشان را بمجلس بفرستند در این یکماه مقرر هم شکایاتی نرسیده و تجدید نشد این بود که شعبه عقیده اش اینطور شد که شکایات وارده بی مورد بوده ورأی بر صحت انتخاب آقای فتح الدوله داد .

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب مخالفید ؟  
**آقا سید یعقوب** - بلی بنده پیشهاد دارم  
**رئیس** - مخالف این رایورت هستید ؟  
**آقا سید یعقوب** - پیشهاد دارم بعد تقدیم  
 نمایم .

عرض بکنم در صورتیکه آقای مخبر بخواهند پس بگیرند محتاج برای نیست .  
**رئیس** - باید متذکر شد که اگر مخبر بخواهند رایورت را مسترد بکنند میتوانند  
 ( پیشنهادی از طرف آقای سید یعقوب تقدیم و بمضمون ذیل قرائت شد )

**رئیس** - آقای مدرس .  
**مدرس** - بنده یک سئوالی از آقای مخبر دارم بنده عرض کردم مردم مجبورند و آزاد نیستند زیرا اگر اختیار داشتند و شکایتی را که از انتخابات دارند باسم کمیانی بچه مناسبت مخابره میکنند خوب است توضیح بدهند اشخاصیکه در این خاک ۲۰ فرسخی هستند همه باید کاندیدا داشته باشند یعنی یک کسی که دوهزار رأی داشته باشد آن آراء هم باید در دوسیه باشد آن کسیرا که کاندیدا کرده بودند بچه جهت تبعید کرده اند ؟ و اما میفرمائید که ما مهرها را نشانختم باید تحقیق بکنید از محل خودش مثل اینکه در شعبه ما بعضی شکایات هست که مهرهایش را نمیشناسیم باید از محل خودش تحقیق بکنند . بنده عرض کردم یک الزام فوق العاده با آقایان و کلاه ندارم بنده میگویم آثار و قرائن سوء انتخاب انجمن مشهود است چون میخواهم از نزاکت خارج نشوم مثلاً یکی از قرائن این است که تلگراف با سیم که پائی است بعد از آنکه کاندیدای آنجا را تبعید میکنند کی را جرئت بر شکایت است حرفهای دیگری هم هست که چون بنده یقین ندارم اظهار نمیکند فقط این مرحله اش را که یقین دارم و اساساً هم فراهم است و آقایان هم میتوانند بفهمند عرض میکنم و میتوانستند استنباط فرمایند که مسئله حسب الامر و در تحت اجبار بوده است یا نه ؟ اگر فهمیدند بمقتضای عقیده شان رفتار کنند اگر تفهیمند بنده بعقیده خودم آقایان بعقیده خودشان تا یک ناحیه بزرگ مثل اصفهان که مرکز مشروطیت است بدانند من که اهل آنجا هستم مظلومیت آنها را در بارلمان گفتم چه پیش برود چه پیش نرود .

**رئیس** - آقای سلطان العلماء - با فرمایش آقا مخالف هستم بنده عرض میکنم غالب انتخابات دوسیه هایشان موجود است ولی چون ما اطلاعات کامل نداریم از مخبر تمنا میکنم که پیشهاد خود را پس بگیرند تا بعد شعبه مراجعه بکنیم .  
**رئیس** - این پیشنهاد بود نه مخالفت با ایشان اشخاصیکه میخواهند پیشنهاد کنند بنویسند بفرستند اینجا خواننده شود بعد در باب پیشنهاد رأی گرفته شود .  
**رئیس** - راجع به رایورت مخالفی هست یا نیست ؟ ( اظهاری نشد ) آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی داشتند .

**آقا سید یعقوب** - بنده عرض میکنم مذاکرات بتأخیر نیفتد و رایورت را آقای مخبر پس بگیرند تا در شعبه با نمایندگان دو مرتبه مذاکره کنند بعد رأی گرفته شود .  
**رئیس** - مرقوم فرمائید بفرستید بالا تا رأی گرفته شود آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهادی دارند ؟  
**حاج شیخ اسدالله** - نه خیر بنده خواستم

عرض بکنم در صورتیکه آقای مخبر بخواهند پس بگیرند محتاج برای نیست .  
**رئیس** - باید متذکر شد که اگر مخبر بخواهند رایورت را مسترد بکنند میتوانند  
 ( پیشنهادی از طرف آقای سید یعقوب تقدیم و بمضمون ذیل قرائت شد )  
**رئیس** - آقای مدرس .  
**مدرس** - بنده یک سئوالی از آقای مخبر دارم بنده عرض کردم مردم مجبورند و آزاد نیستند زیرا اگر اختیار داشتند و شکایتی را که از انتخابات دارند باسم کمیانی بچه مناسبت مخابره میکنند خوب است توضیح بدهند اشخاصیکه در این خاک ۲۰ فرسخی هستند همه باید کاندیدا داشته باشند یعنی یک کسی که دوهزار رأی داشته باشد آن آراء هم باید در دوسیه باشد آن کسیرا که کاندیدا کرده بودند بچه جهت تبعید کرده اند ؟ و اما میفرمائید که ما مهرها را نشانختم باید تحقیق بکنید از محل خودش مثل اینکه در شعبه ما بعضی شکایات هست که مهرهایش را نمیشناسیم باید از محل خودش تحقیق بکنند . بنده عرض کردم یک الزام فوق العاده با آقایان و کلاه ندارم بنده میگویم آثار و قرائن سوء انتخاب انجمن مشهود است چون میخواهم از نزاکت خارج نشوم مثلاً یکی از قرائن این است که تلگراف با سیم که پائی است بعد از آنکه کاندیدای آنجا را تبعید میکنند کی را جرئت بر شکایت است حرفهای دیگری هم هست که چون بنده یقین ندارم اظهار نمیکند فقط این مرحله اش را که یقین دارم و اساساً هم فراهم است و آقایان هم میتوانند بفهمند عرض میکنم و میتوانستند استنباط فرمایند که مسئله حسب الامر و در تحت اجبار بوده است یا نه ؟ اگر فهمیدند بمقتضای عقیده شان رفتار کنند اگر تفهیمند بنده بعقیده خودم آقایان بعقیده خودشان تا یک ناحیه بزرگ مثل اصفهان که مرکز مشروطیت است بدانند من که اهل آنجا هستم مظلومیت آنها را در بارلمان گفتم چه پیش برود چه پیش نرود .

ضیاءالدین با اندوخته خودش از ایران رزاک کرد و نتوانست در اینجا نقشه سیاه خودش را بموقع اجراء بگذارد البته اینها مسائلی است که بطور فهرست من عرض کردم و امیدوار هستم در یک آتی نزدیک مجلس با موافقت نظر هیئت محترم دولت در مسائل گذشته مفصل تر اعمال نظر بکنند ( دقت بکنید و بالاخره آنهاستیکه مقصر هستند مجازات بکنند ولی فعلاً میخواهم چند کلمه در باب علل این قضایا عرض بکنم من علل این قضایا را بدقسمت تقسیم میکنم علل صوری و علل معنوی اما علل صوری آمدن سید ضیاء البته سید ضیاء محرک بود باراده غیر سید ضیاء الدین استفاده کرده از مسامحه حکومت زمان ولی باید این مسئله را فهمید که چرا سید ضیاء جسارت و قبول تخطی با استقلال ایران را باید بکنند این مطلب بعقیده من خیلی از همه کارها بالاتر و مهمتر است بعقیده من علت باطنی جسارت سید ضیاء الدین دو چیز است یکی نبودن مجازات است در مملکت ایران و یکی زیر بار رفتن قوانین است بعقیده من وظیفه مجلس شورای ملی در پیشگاه ملت ایران این خواهد بود که اول حیثیت قوانین را اعاده بدهد بملت ایران امر بدهد بگوید که تحمل زیر بار رفتن قانون مثل ارتکاب خلاف قانون است ( گفتند صحیح است ) و تا وقتی که حیثیت قوانین در مملکت ما اعاده نشود و تا وقتیکه مجلس شورای ملی هر کس را که خوب کرده است پاداش خوب ندهد و هر کس را که بد کرده است مجازات نکند این مملکت داخل اصلاح نخواهد شد ( گفتند صحیح است ) و بهمین ملاحظه است که ادوار قنرت طولانی در این مملکت پیدا میشود اگر قوانین محترم بود ادوار قنرت طولانی در این مملکت پیدا نمیشد باید اول اعمال مجازات را درباره عفو خودش مجرا کند تا آنکه سرمشق بشود برای سایرین و همان ملاحظات نسبت بتمام اشخاصی که نسبت بحکومت سید ضیاء الدین مساعدت نکردند و همراهی نکردند باید در نظر مجلس محترم باشد و قوم آنها را میمون بشمارند و آنها را گرامی بشمارند همان طور هم نسبت بانکسانی که در خرابیهای سید ضیاء مشارکت کردند مجلس باید پیش قدم بشود در اعمال مجازات ( گفته شد صحیح است ) پس وقتی که مجلس از نقطه نظر اجرای قانون داخل در این قضیه شد در مرحله اول باید عدل الملک رد بشود زیرا که عدل الملک هم برخلاف قانون رفتار کرده است و هم برضد استقلال مملکت و بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام کرده و شراکت در قیام و اقدام نموده بنا بر این فقره ۹ از ماده ۴ قانون انتخابات او را محروم از حق انتخاب شده و از حق نمایندگی محروم میباشد عدل الملک همان روزی که رفت و با سید ضیاء استقلال ایران همدستی کرد همان روز آزادانه مجال خود و بطور اختیاری سلب حقوق نمایندگی و حق جلوس در مجلس را از خود کرد ( تصدیق ) بنا بر این من با این رایورت شعبه مخالف هستم که میگوید چون ارتکاب تقصیر بعد از انتخاب شده بود لهذا شعبه نمیتواند اقدامی بکند خیر این اقدام یکی از آن اقداماتی است که قیام برضد استقلال مملکت و قیام بر ضد حکومت ملی است و هر کس در هر موقع با آن اقدام شریک شد فوراً بواسطه همان اقدام خودش

سلب حق نمایندگی را از خودش میکند پس بنا بر این شعبه قادر بود حتی مکلف نبود که خیراً و حتماً در رد عدل الملک در رایورت خودش رأی بدهد پس باین دلائلی که عرض کردم من تصور نمیکم که مجلس شورای ملی میتواند نمایندگی عدل الملک را تصدین کند بواسطه اینکه مسلمان عدل الملک برضد استقلال این مملکت قیام کرده است و مسلماً شرکت در اقدامات بر ضد حکومت ملی کرده است و باین سبب خودش را از دارا بودن حق نمایندگی محروم کرده است

**حاج شیخ اسدالله** - راجع بر رایورت شعبه

**رئیس** - بفرمائید  
**حاج شیخ اسدالله** - چون در قانون يك همچو موضوعی را پیش بینی نکرده است و تصریحی در این موضوع در قانون ندارد بر فرض اینکه شعبه عقیده اش این باشد که آقای سردار فرمودند شعبه نمیتواند وضع يك قانون بکند شعبه با توافق نظری که در اصل موضوع دارد باید نظریات مجلس را در این موضوع بخواند زیرا که در قانون مینویسد اشخاصیکه از حق انتخاب شدن محرومند اشخاصی هستند که برضد حکومت ملی قیام و اقدام نمایند این ظاهرش اینست که از حق انتخاب شدن محرومند اما بعد از انتخاب شدن اگر يك نماینده برضد اساس ملی برضد حکومت ملی قیام و اقدام کرد قانون تصریحی در این باب ندارد که آیا سمت نمایندگی از او سلب میشود یا اگر نماینده مجلس شد قانون يك مجازات دیگری از برای او تعیین خواهد کرد از این نقطه نظر شعبه مجبور بود که پیشنهادی بمجلس بکند و نظریات مجلس را در این باب بخواند و مجلس هر تصمیمی را اتخاذ کند قادر است ولی شعبه نمیتواند يك قانونی وضع کند این است که شعبه در رایورت خودش معاف بوده و موقوف بنظریات مجلس است

**فهرت الدوله** بنده مداخله ام در این امر از برای توضیح قانون است اگر چه تصدیق دارم که شقاوت و شدت دوره که بان اشاره شد زیاده بر این است که یک ناطقی تنها نمیتواند تمام مسائل گفته باشد ولی بعد از آنکه رفیق محترم من با بیانات موثر خودشان دلائل رد عدل الملک را اظهار کردند بنده داخل آن قسمت نمیشوم ولی آن قسمتی را که ایشان در تردید رایورت شعبه ۶ اظهار کردند بنده با ایشان موافقم و بهیچوجه نمیدانم که شعبه محترم بچه دلیلی خود را توانای باتخاذ يك رأی نداشته است در قانون انتخابات نوشته شده است اشخاصیکه از انتخاب شدن محرومند و در ذیل این عبارت که ماده هفتم آن قانون است نه فقره شرط مذکور شده هر يك از این شرایط در هر مورد در يك شخص موجود شود آن شخص بموجب ماده هفت قانون انتخابات از انتساب شدن محروم شود اولاً این شرایط راجع بصلاحت شخص منتخب است و راجع بمقررات جریان انتخابات نیست چنانچه میبینیم مذاکره از قتل و سرقت است مذاکره از تظاهر بفسق است مذاکره از تبعیت ایران وغیره است پس مسلم است

که در هر موقعی از زمان یکی از این شرایط در کسی موجود شود سلب صلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی از آن شخص میشود حالا شاید آقایان محترم که از اتخاذ رأی قطعی خودداری کرده اند این طور تصور کرده باشند که چون قانون میگوید از انتخاب شدن محرومند و انتخاب شدن حائز گردیدن اکثریت حوزه انتخابیه است پس از احراز این امر موردی برای قطعی این شرط باقی نمیماند و شاید باز آنطور در نظر گرفته باشند که انتخاب شدن با اکثریت از حوزه انتخابیه وظیفه مرحله اولی قضاوت ابتدائی انجمن نظارت است انتخاب شدن را تکمیل میکند در صورتیکه با این معنی بنده مخالفم زیرا حکمیت ثانوی شعبه و مجلس بمنزله حکومت استثنائی است و لازمه حکومت استثنائی و دخول در ماهیت دعوا و رسیدگی بکلیه اسناد و تعیین موارد مقررات قانونی است فرض کنیم که یک نماینده از حوزه انتخابیه خودش حائز اکثریت شد و در انجمن نظارت که مرحله اولی قضاوت است تصدیق انتخابات او شد و قبل از آنکه دوسیه او و اعتبار نامه او عرضه بشعبه و مجلس شورای ملی شود یکی از شرایط فاقد صلاحیت را او مرتکب شد مثلاً قتل یا تبعیت ایران را رد و تبعیت خارجه را قبول نموده ما اگر در این صورت قائل بشویم که شعبه نمیتواند در این امر رسیدگی و مداخله بکند منکر قضاوت او میشویم در مساده ۴ نظامنامه داخلی وقتی که مسراجعه میکنیم به وظایف و سبب شعبه می بینیم نوشته اند که شعبات بدون فوت وقت برسیدگی اصیبارنامه ها و تشخیص صحت و سقم انتخابات شروع میکنند و در ماده ۵ همین نظامنامه ما می بینیم مینویسد پس از آنکه مخبرین رایورت های شعب را در مجلس قرائت نمودند در مورد انتخاباتی که صحت آنها را شعبات تصدیق نموده و در مجلس معارضی ندارد مجلس برای هر يك جدا گانه رأی میدهد و در صورتیکه رایورت شعبه مشعر بر عدم صحت انتخابات باشد ... الخ

ماده ۴ تصریح میکند وظیفه شعبه را وظیفه شعبه تشخیص صحت و سقم انتخابات است شرط اعظم انتخاب شرط صلاحیت است و باین ملاحظه نمیدانم شعبه چرا در موقعی که یکی از موارد سلب صلاحیت را در نماینده که دارای آن است ملاحظه میکند خودداری میکند از اینکه اظهار عقیده بکند ملاحظه بفرمائید در رایورت نوشته اند قانون پیش بینی نکرده عین عبارت رایورت را میخوانم - چون آقای عدل الملک در حکومت آقا سید ضیاء الدین و وقایع اخیره دخالت و شرکت تامه داشته و برخلاف مجلس و حکومت ملی اقدامات نموده ولی این اقدامات بعد از انتخاب و نمایندگی بوده و در قانون این مطلب پیش بینی نشده است لذا شعبه نتوانست راجع بصلاحت ایشان در قانون انتخابات نوشته شده است اشخاصیکه از انتخاب شدن محرومند و در ذیل این عبارت که ماده هفتم آن قانون است نه فقره شرط مذکور شده هر يك از این شرایط در هر مورد در يك شخص موجود شود آن شخص بموجب ماده هفت قانون انتخابات از انتساب شدن محروم شود اولاً این شرایط راجع بصلاحت شخص منتخب است و راجع بمقررات جریان انتخابات نیست چنانچه میبینیم مذاکره از قتل و سرقت است مذاکره از تظاهر بفسق است مذاکره از تبعیت ایران وغیره است پس مسلم است

و مجلس را مأمور رسیدگی کرده بنده نمیدانم کدام مطلب را قانون در این رشته مسکوت عنه گذاشته که مخبر محترم در آخر رایورت اظهار میدارد که توضیح و شرح قانون با خود مجلس است کدام يك از این مواد را قابل توضیح و شرح دانسته اند خیلی خوشوقت میشوم اگر مخبر محترم عقیده خودشان را توضیح کنند مخصوصاً متذکر میشوم که آقایان نمایندگان محترم نباید بگذارند يك سابقه سوئی در این مسئله تولید شود مأمی بینیم که شعبه در مجلس اغلب مایل باین هستند که در خیلی از مسائل اتخاذ رأی قطعی نکنند و مسائل را موکول به حکمیت خود مجلس بکنند این مسئله اساساً خوب نیست و حالا اگر ما يك همچو سابقه تولید بکنیم دیگر بنده تصور نمیکنم هیچ شعبه در هیچ امری همین قدر که باشکالی برخورد حاضر برای قضاوت بشود ( بعضی تصدیق کردند )

**حاج شیخ اسدالله** - بله در ماده هفت قانون انتخابات می نویسد اشخاصیکه از انتخاب شدن محرومند اول - شاه زادگان بلا فصل - دوم - طلبه نسونان - سوم تبعه خارجه - چهارم - مستخدمین امینه و نظایمیه و اهل نظام و فلان - پنجم حکام کل و جزء مرتکبین قتل و سرقت هم در همین ردیفند بنده عرض میکنم این يك ماده است که در ضمن آن فقرات چند بنویسد بفرمائید به بینم آن فقرات تمام در عرض هم قرار دارند یا فرقی هم مابین این فقرات دست ؟ مجلس که فرقی نگذاشته است همین قدر مینویسد اشخاصیکه از حق انتخاب شدن محروم هستند اشخاصی هستند که شریک قتل و سرقت شده باشند آیا بفرمائید که اگر یکی از نمایندگان در حین نمایندگی پس از تصویب صحت نمایندگی او از مجلس شورای ملی مرتکب قتل شد این قسمت نمایندگی از او سلب میشود در حالیکه معلوم نیست شعبه بر فرض اینکه با این عقیده همراه باشد یا فرضاً عقیده اش همین باشد معذالك عقیده خودش را در شرح این قانون نمیتواند اظهار کند باید مجلس شورای همچو شرحی بنویسد وقتی همچو شرحی از طرف مجلس نوشته شد آنوقت آن شرح سندیت دارد شعبه نمیتواند از روی يك زمینه راجع باین ماده يك تصمیم قطعی بگیرد مگر اینکه مجلس شورای ملی يك رأی قطعی بدهد .

**محمد هاشم میرزا** - بنده خیلی متأسف هستم که قوانینی که باین واضعی نوشته شده محتاج بشرح باشد اگر بنا باشد اینها را آقایان محتاج بشرح بدانند در این دوره هیچ قانونی نخواهم گذرانده سهل است چندین دوره مجلس هم باید صرف شرح و تفسیر و قوانین سابق بشود ماده قانون باین صراحت مینویسد .  
 در جزو نهم : کسانی که محروم از انتخاب هستند آنهاست که برضد حکومت ملی قیام و اقدام نمودند یقین است که این محرومیت مادام الوصف است یکی از موجبات صلاحیت و کفیل این است که قیام و اقدام نکرده باشد هر وقت ایجاد مانع نمود صلاحیت او سلب و محروم خواهد شد چنانکه در اول شرط بوده تا آخر باید با همین شرط باقی باشد فرقی بین اول و آخر نیست به بیان واضح تری ادا شود مثلاً در پیش نماز که ملکه عدالت شرط است اگر کسی اقتدا کرد و در بین نماز از پیش نماز فسق سر زد باید عدالت را استعجاب نموده با مشاهده فسق آن پیش نماز

را عادل بشمارد تا ما که شود خیلی فریب است تردید در اقدام ایشان بر ضد حکومت ملی از قبیل شک در محسوسات است.

**قلندین** - اولاً میخواهم عرض کنم که بکلی مخالفم با توضیحاتی که مغرب محترم دادند بجهت آنکه از نقطه نظر صلاحیت البته باید در حال فقیه وارد شده

و در هر موقعی که نفی صلاحیت شد آن احکامی که متعلق است به آن طبعاً ایجاد خواهد شد فرض میکنم یک وکیل ثابت الو کاله که مجلس تصدیق کرده باشد و کالت او را اگر بر ضد حکومت ملی اقدام کرده باشد البته از شئون و کالت باید صرف نظر بکنند و سلوب الحق خواهد شد و بعلاوه مطابق یک اصلی که از اصول محکمه حکومت ملی است هر فردی که سالمأ عامداً بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام بکنند در هر موقع و هر وقتیکه باشد از کلیه حقوق مدنی محروم است که یکی از آنها

حق و کالت است آیا نظر شعبه دوم بر این نبود نظر شعبه دوم این بوده است اولاً صلاحیت آن دو نفر را که راپورت داده ملاحظه کرده است در حین انتخاب چون این شرایطیکه در قانون انتخابات است و شعبه دوم موظف است آن شرایط را تطبیق بدهد با قانون انتخابات یکی راجع به همین انتخاب است برای اینکه یکی از شرایط انتخاب شوندگان اینست که مرتکب قتل و سرقت نشده باشند این قتل و سرقت باید معلوم بشود درجه وقت بوده حین انتخاب یا قبل از انتخاب آنوقت او را محروم میکنند پس یکمرتبه صلاحیت راجع به حین انتخاب است مثلاً اگر چنانچه کسی اقدام و قیام بر ضد حکومت ملی کرده باشد پیش از انتخاب چون این موضوع قبلاً مجرز شده و از نقطه نظر تطبیق جریان انتخابات بمواد قانون شعبه رسیدگی کرده است بجز این انتخابات و جریان انتخابات را موافق قانون دانسته چرایی اینک این عمل در حین انتخاب نبوده قبل از انتخابات واقع شده و همین جهت است که صحت انتخابات را تصدیق کرده است اما مرحله دوم این بوده است که تصدیق شرکت آنها را در قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی کردند و در این مورد نه اینکه شعبه خواسته باشد از رای دادن استنکاف کند برای این بوده است که خودش را کوچک دانسته و خودش را یک محکمه خیلی کوچکی دانسته است که خواسته است بمرحله بزرگتری محول کند و آن محکمه حکم او را بدهد مقدمات دادن حکم را که اثبات شرکت در قیام بر ضد حکومت ملی باشد شعبه تصدیق کند ولی شعبه چون خودش را کوچک میدانند؛ و موضوع هم خیلی مهم بوده باینجهت او را بیک محکمه بزرگتری موقوف کرده است که مجلس شورای ملی باشد

**رئیس** - بنده گمان میکنم همینطور که در چند روز قبل عرض کردم مذاکرات راجع بصورت ظاهر است راجع با اساس نیست راجع بصورت هم گمان میکنم بقدر کفایت مذاکره شده و کافی است (گفته شد صحیح است) حالا اگر آقایان مخالف نباشند در اصل مطلب داخل شوند یعنی رای بگیریم به نمایندگی آقای علی الملک آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

**رئیس** - تصویب نشد راپورتی است از شعبه دوم به آقای سلطانه محمد

خان طبع و توزیع شده است و چون ایشان مطالبی مرقوم فرموده اند باید قرائت شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی  
شیدالله ارکانه

در صورت راپورت مغرب شعبه ۲ که رسیدگی دوسیه انتخاب بنده بدان محول است این عبارت ملاحظه شد: انتخابات نائین. و مضافات موافق قانون بعمل آمده و شکایات و اعتراضی هم از اول تا بعد از رسیدن نائین صحت انتخاب سلطان محمد خان نائینی را تصدیق مینماید (پس از این عبارت مینویسد) که مشارالیه در کابینه سیاه معاون و در قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی شریک بوده است لازم دانست توجه مجلس شورای ملی را باین نکته معطوف و متوجه دارد اولاً معلوم نیست شعبه که وظیفه آن فقط رسیدگی با انتخابات و چگونگی جریان آن بوده حق و صلاحیت چنین محاکمه و صدور حکم را داشته است یا خیر ثانیاً بر فرض اینکه چنین حقی را داشته نصی بوده برای اظهار یک چنین نسبتی و برای صدور حکم در محروم نمودن یک نفر و کبلی که دوسیه او خالی از هر گونه اعتراضی است اقلاً بکثرت او را احضار و مختصر توضیحاتی از او میخواستند. نظر بر اینکه مقتضی است آراء مجلس شورای ملی از شائبه اعمال عرض مصون و محفوظ باشد و نظر بر اینکه این نسبت را در باره خود بکلی خالی از حقیقت میدانم بخود حق میدهم استعدا مینمایم حال که صحت انتخاب بنده تصدیق شده مجلس شورای ملی موضوع ثانی را که از مسئله انتخاب منفک است موضوع مستقلی قرار داده کمیسیونی بر حسب قرعه تشکیل نموده بنده را احضار فرمایند تا توضیحات و ادله و اسناد خود را در بی اساس بودن نسبتی که به بنده داده اند تقدیم و از حق دفاع حقوق استفاده نمایم.

در خاتمه استدعا دارم این عریضه را در اولین جلسه رسمی قرائت فرمایند

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه)

**مدرس** - البته آقایان و کلاهی محترم را از هر جهت بیفرض میدانم و خودم را همینطور نسبت با آقای سلطانه محمد خان بیفرض میدانم بجهت اینکه ایشان را بمنزله اولاد خود میدانم و مدتی با هم بودیم و باینده کار میکردند لذا اجازه خواستم در این موقع بعضی عریضی بکنم و آن این است که هر کس شبهه و شک داشته باشد که این وضعیت که پیش آمد وضعیاتی بوده که بدست یک ایرانی نبود بنده او را تکذیب میکنم و تمام دنیا هم باید او را تکذیب کنند یک دوستی که همیشه ما دوست او بودیم و بعد ها هم خواهیم بود که از هم مسایگان ماست و بهیچ وقت از او امتناع نبردییم یک بیریقی بدست یک کسی داد که بر ضد اساس مملکت و استقلال مملکت و مشروطیت و سلطنت اقدام کند یک جماعتی هم دانسته یا ندانسته دور آن بیرق واکرقتند - ماهمه مسلمان هستیم البته آقای سلطانه محمد خان هم مسلمان است و باید مملکت اسلامی را بخواهد فرموده اند اگر کسی دور بنی امیه جمع شود و یک قلمی را قطع بزند بقدریک قلم قطع زدن با آنها شریک است اگر آقای دوست من بگوید آن سیاست را نمیدانسته بنده تکذیب

میکم برای اینکه دو سال باینده بوده است اگر خدای تعالی استعداده انداخت که آن سیاست را بفهمد انصافاً و قانوناً قابل این مجلس نیست و اگر فحسید بعد از این اقدامات را نکنند بای میگویند بود کودتائی بشود برای اصلاح مملکت برای اصلاح حکومت ملی زیرا ممکن است حکومت یک نواقص پیدا کند انصافاً مشروطه مانواقص زیاد دارد و حقیقتاً این تعطیل هائی که اتفاق افتاد خیلی بحال حکومت ملی مامض بود بسا بود یک ایرانی به تکیه ایرانی ها اقدام باصلاح مینمود البته همه و کلاهی که حاضرند او را خیلی دوست میداشتند اما یک کودتائی برخلاف مجلس برخلاف قانون اساسی برخلاف مایه قانون اساسی که قرآن باشد خداوند میفرماید لاتتخذ و الیهود والنصری اولیاء البه در این صورت این دوست من نباید راضی بشود که در این مجلس باشد تا بعد از این عموم مردم بدانند کسی که این اقدام را میکند از این حق و بودن در این اساس ملی محروم است اما در موضوع راپورت شعبه خیلی از آقایان و کلاه مشروحاً بیاناتی فرمودند شعبه باید اول تشخیص موضوع را بدهد بعد حکم کند اما بنده به بعضی آقایان اشکال دارم از جمله آقای حاج شیخ اسدالله که چگونه ایشان که اغلب عمرشان را در تشخیص اصول و فلسفه صرف کرده اند تشخیص موضوع را در اینجا نداده اند چون شعبه بمنزله محکمه استیفاست و در این مجلس مدخلیت دارد و اگر یک روز هم بمجلس شورای ملی باقی بماند یک کسی برخلاف اساس مشروطیت اقدام کند ازو کالت منزع است باید شعبه بطریق حتم و جزم رای داده باشد در اینکه ایشان صالح هستند یا مردود و ارجاع بمجلس شورای ملی را لازم ندانند بیش از این زحمت ندارم.

**سلطان محمد خان** - خلاصه بیانات

آقای مدرس این بود که این بنده نظر بشرکت در اقدام بر ضد اساس حکومت ملی از حق انتخاب شدن محروم هستم در اینجا چند فقره برای توضیح عرض میکنم و چون پارلمان مرکز عدالت است امیدوارم آقایان بغیر حق و بغیر عدالت تصمیمی اتخاذ نفرمایند اول این که میفرمایند در قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی شریک بوده آیا مقصود کدام حکومت ملی است؟ کابینه سپهدار اعظم است که خود آقایان مکرر در مکرر در اطرافهای بهارستان آن را حکومت از تجاع و طهران را محیط از تجاع میدانستند و باینده بدترین بیانات بر علیه آن سخن میراندند گویا آقایان فراموش فرموده اند که در موقع تشکیل کابینه سپهدار اعظم چه نمایشات غریبی از طرف عموم ملت بر علیه حکومت سپهدار اعظم داده شد اگر آن را حکومت ملی باید نام نهاد باید بحکم همان حکومت ملی این مجلس نباید باز شود زیرا فراموش فرمودید در آن درزه بهر کدام از این و کلاه چه نسبتها میدادند حالا فرض بفرمایید حکومت سپهدار حکومت ملی بوده است و کودتا را قیام و اقدام بر ضد آن حکومت ملی تعبیر میفرمایند من نه عامل کودتا بوده ام نه فاعل کودتا بوده ام نه آمر کودتا بوده ام نه از آن مطلع بوده ام از کسانی که در کودتا بوده اند یعنی همان عناصری را که تقدیس میکنید از آنها بپرسید

که بنده داخل بوده ام یا نه صبح روز کودتا چون شهرت یافته بود که تمام و کلاه را دستگیر کرده و میکنند بنده از خانه بیرون رفتم و در منزل یکی از دوستان خود رفتم یک نفر شاهد صادق دارم که آقای حکیم الملک است روز سوم یا چهارم است خطی از طرف علیحضرت اقدس همایونی بردیوارها دیده شد سیدضیاء الدین رئیس الوزراء است بدیهی است که در غیاب پارلمان تعیین رئیس الوزراء منحصر از خصائص ذات اقدس همایونی است برای هیچکس جای تردید نبود که در ریاست وزرای ایشان چون و چرا کند بنا بر اساس آشنائی ( تصور نمیکند آشنائی هم خیانت و جرمی باشد ) بنده را احضار نموده تکلیف بعضی مشاغل مسئولیت دار نمودند بنده استنکاف نمودم بالاخره ریاست کابینه و بعد معاونت وزارت مالیه را بر بنده تحمیل کرد در تمام این مدت بنده نفوذ خود را در موقع گرفتاری مردم برای استخلاص آنها بکار بردم و بعضی از مجبوسین را که میتوانستم نجات دادم اشخاصی را که مریض بودند طبیب بعیادت آنان فرستادم شاید آقای استرآبادی و آقای گروسی و رفیق محترم آقای میرزا علی کازرونی از جمله اشخاصی هستند که شاهد این قضیه هستند بنابر مسئله فوق اگر مقصود اطلاع و شرکت از کودتا بوده که بنده هیچ نداشتیم اگر مفاد این عریضه ام را بوقع اجرا بگذارید و یک هیئتی تعیین شود بنده اسناد و دلایل و براین خود را ارائه بدهم معلوم خواهد شد که من در کودتا شرکت نداشته ام بلکه برای برچیدن کودتا اقدام کرده ام اراجع بر ریاست کابینه با معاونت مالیه اگر جرم است بایستی چند هزار نفری را که در زمان سیدضیاء مشغول بکار بوده اند و جمیع اشخاصیکه در آن دوره در ادارات دولتی زندگانی میکردند آنها را باید از حق انتخاب محروم کرد بعلاوه بنده مشاهده کردم عده از آقایانی که مورد توجه و اعتماد عموم مردم هستند قبول خدمت نمودند خدماتی را که از حیث رتبه با خدمت بنده برابر بوده شاید قسمت عمده از آقایانی که اینجا هستند فراموش نکرده باشند که تقاضای خدمت کرده اند و نیز عین مراسله ایشان حاضر است که برای تذکر ممکن است مراجعه فرمایند حتی بعضی از آنها رنجش یافتند که چرا به آنها خدمتی رجوع نشده ولی بنده تصیری ندارم زیرا هر چه کوشش کردم امکان نیافت با آنها رجوع خدمتی بشود باالخصوص اشخاصی که طرف اعتماد عموم هستند آنها قبول شغل کردند و یا تقاضای شغل کردند بنده هم یک نفر مستخدم دولتی بودم و باید زندگانی خودم را از حقوق دولتی تأمین کنم هیچچیز من الوجوه مانعی نیافتم از یک طرف دیسیپلین اداری ( چون آقایان اشخاص اداری دیسیپلینی که معمول دولت است خوب میدانند مثلا صاحب منصب هر چه بسرازم فرمایند اجرا نماید همان را بوقع اجراء میکند ) از یک طرف فشار معیشت مرا مجبور بقبول شغل کرد ممکن است بعضی از آقایان ایراد بکنند که چرا به بنده ریاست کابینه یا معاونت وزارت مالیه را دادند صحیح است گمان میکنم شغل اول ریاست کابینه برای بنده صحیح بود چون برای ریاست کابینه شناسائی السنه خارج لازم است و تادرجه انشاء لازم است و یکی هم طرف اعتماد بودن

لازم است از السنه خارج یک زبان را خوب میدانم و چند زبان دیگر را هم آشناهستم از حیث انشاء هم در مقدمه و در بیاض چند کتابی که تألیف نموده ام آقای ملک الشعرا و آقای وثوق الدوله چند صفحه تعریف و تمجید نوشته اند از حیث طرف اعتماد بودن هم آنقدر بوده است که خود آقای مدرس با وجود اینکه امساک میکنند از اینکه کسی را مورد اعتماد قرار دهند بنده را طرف اعتماد قرار داده و مدتی رئیس کابینه ایشان بوده و در خدمت ایشان سو بردم در اینجا متخصصین مالیه بسیار هستند ای کاش قدری در عملیات آن مدت بنده دقت بفرمایند و به بینند چه اصلاحاتی کرده ام اگر کنترل که هیچوقت در ایران وجود نداشت بنده ایجاد نکرده باشم اگر برای تشخیص میزان مالیات و وصول مالیات و کنترل آن ترتیبات سودمندی نداده باشم که مورد تحسین متخصصین واقع شوم آقایان حق دارند ای کاش هر کس برای اعمال خودش مجازات و مکافات می یافت در موقع حمله و تهاجم البته زبان معترضین دراز است ای کاش در تمام مجلس یا در تمام تهران یک نفر مغرض بر میخواست و میگفت فلان توشاغل فلان شغل بوده یا میگفت که بنده شخصاً چه در ظرف شش سال خدمتی که در اداره مالیات های غیر مستقیم کردم وجه در مدتی که در وزارت مالیه بودم میگفت فلانی یک شاهی را تفریط کرده و یا بقدر دیناری از خطصحت عمل منصرف شده اما با وجودی که بصحت عمل کرده ام تصدیق کنید که فشار زندگانی ممکنست چنین مستخدم محترمی را که متکی بملیونها نیست مجبور نماید برای عائله زیاد بهر وسیله باشد ارتزاق نماید و در همانحال فقط صحت عمل بود که خود را محکوم بدترین زحمات نمودم و در همان حال که شهبازا راحت و استراحت با کسان خود بسر میبردند بنده شهبازا در روزنامه بسر میبردم

**سردار معظم** - در کدام روزنامه

**سلطان محمد خان** - در روزنامه آقای ملک الشعراء در عدد تمام روزنامه ها چند سال خدمت کردم و برای اینکه منم از آن خوان نعمت یعنی از بیت المال مسلمین که برای همه کس گسترده است آتیه خود را تأمین کرده باشم از یک اداره دولتی بداره دولتی دیگر با حقوق کمتر انتقال یافته ام آیا مرا مقصر میدانید آیا ریاست کابینه و با معاونت آنرا جرم میدانید آیا بواسطه نداشتن معیشت و بی تداشتهن هیچ گاه و تقصیر باید از بهترین حقوق زندگانی محروم شوم آقایان بیک قیام و قعود که در دستجات خودتان قرار داده اید آتیه کسی را سیاه نکنید ...

(بعضی ها اظهار نمودند خارج از موضوع است)

**رئیس** - چرا خارج از موضوع است

**سردار معظم** - آقا بگوئید حرف خودتان را بزنید.  
**سلطان محمد خان** - قدری فکر و تأمل کنید قبل از آنکه دیر شود اگر یک فکر انتقام جوئی در میان است اگر چه امیدوار هستم نباشد بنده طرف او نیستم و آن کسی که او را می جوید اینجا نیست.

**رئیس** - از خود دفاع کنید  
**سلطان محمد خان** - اگر این شخص بواسطه انتقام جوئی آن کسیکه در کابینه سابق بوده تحت فشار بوده باعث و مسبب آن من نبودم  
**رئیس** - خارج از تراکت است  
**سلطان محمد خان** - آقایان تأمل نمائید زیرا بزودی خشم شما خاموش میشود و آتش غضب شما فرو خواهد نشست آنگاه در آینده فقط نیشهای تلخ و چندان طرف شما خواهد بود که چراییکنفر را که دوسیه انتخاباتش مورد هیچ اعتراضی نبود مورد اعتراض شخصی خود قرار دادید زیرا حق و حقیقت هیچگاه پنهان نمینماید و اگر ثمرات انتقام تلخ است از برای بنده وهمگی یکسان است

**سردار معظم** - بنده تصمیم گرفته بودم در زمینه سلطان محمد خان اظهار عقیده نکنم زیرا مسائلی را که لازم بود در زمینه مصداق بزرگتر از ایشان گفتم ولی ایشان آمدند و استفاده از آزادی تریبون کردند و نسبتهایی دادند که وارد نیست و این نسبت ها را برای ثابت کردن حق خودشان عنوان کرده و رفتند و نمایندگان محترم حقاً عصبانی نشدند و بایشان آزادی مطلق نطق و بیان را دادند و این حسن نمایندگان قابل تقدیس است زیرا در مملکتی که مشروطیت و آزادی است نمایندگانش باید سرمشق تحمل و بردباری بشوند و بالاخره اگر چه خود ایشان در ابتدای نطق با یک بیابان و یک لجن حمله کننده وارد مطلب شدند ولی در خاتمه نطق خودشان مطلب را تغییر داده فقط بیراث ذمه خود اکتفا دوسه مطلب گفتند که بعقیده بنده باید مورد تدقیق و توضیح بشود ایشان در نطق خود بیان کردند که ما میخواهیم حکومت ملی را بکابینه سپهدار تعمیر کنیم و مقصودمان از حکومت ملی حکومت سپهدار بوده است آقای سلطان محمد خان باید خودشان شخصاً بدانند و بعقیده من بهتر از ما میدانند که اگر کسانی بودند که علاقمند بحکومت سپهدار اعظم بوده اند در هر صورت ما نبودیم و مخالفین ما بودند شما هم بودید که طرفدار حکومت سپهدار بودید

**سلطان محمد خان** - بگوئید تو  
**سردار معظم** - زیرا فقط آن حکومت بود که زمینه کودتا را حاضر کرد همان حکومت مقدمه اقدام بر ضد حکومت ملی بود میخواستیم این حرف را نگویم ولی حالا میگویم ما وقتی که میگوئیم یک کسی بر ضد حکومت ملی اقدام و قیام کرده است اینطور میدانیم که برخلاف تشکیل مجلس شورای ملی اقدام کرده هر کس که موجبات تعطیل مجلس شورای ملی و اساس مشروطیت را فراهم کند قیام بر ضد حکومت ملی کرده سید ضیاء موجبات مغالفت با حکومت ملی را فراهم کرد یا نه سید ضیاء بر ضد قانون اساسی و کلاه را توقیف کرد یا نه  
**سلطان محمد خان** - آقا عرض دارم  
**سردار معظم** - شما حرف خودتان را زدید ساکت بشینید همان طوریکه وقتی حرف میزدید ساکت بودیم  
(بعضی تصدیق کردند)  
**سردار معظم** - سؤال میکنم آیا و کلاه را

توقیف کرد یا نکرد بلی کرد بر ضد حکومت ملی  
بر ضد قانون اساسی که در نظر ما مقدس است و  
ممکنست در نظر دیگران مقدس نباشد اقدام کرد یا  
نکرد بلی کرد سید ضیاء بر ضد استقلال مملکت  
قیام کرد یا نه بلی کرد پس اشخاصی را که ما میخواهیم  
از نمایندگی محروم کنیم برای این عمل است نه  
بواسطه حمایت از کابینه سپهدار یا کابینه غیر سپهدار  
مطلب دیگر شما راجع باین بوده که در آذربایجان و کلاهد  
مورد تنقید بودند بلی در همین طهران ما شنیدیم و  
هنوز هم تنقیداتی بر ضد مجلس می شنوم و بقیه السیف  
حرفها هنوز هم بگوش ما میخورد ولی فراموش نکنید  
که ما غافل از این مطلب نیستیم که تهیه کردن زمینه هر  
کودتا و تهیه کردن زمینه خلاف قانونی مستلزم  
کاستن حیثیت مخالفین آن خلاف قانون و تهمت  
بآنهاست سید ضیاء و حکومت انفعالی قبل از او قانون  
و کلاه را در انتظار تعقیب کردند بد گفتند و نسبت به  
آنها بد نوشتند و توهین کردند و یک زمین گل آلود  
پرهیز و مری را تهیه کردند تا بمقصود نائل شدند  
ما میدانیم آن اشخاصی که میخواهند کودتا بکنند  
از مدتی قبل در صدد بودند که این زمینه را تأسیس  
نمایند حکومت های انفعالی ایجاد کردند حکومت های  
مسامحه کار را سر کار نگاه میداشتند بوکیل مجلس  
شورای ملی بد میگفتند تهمت میزدند جملیات منتشر  
میکردند افکار خیرخواهان را مشوب و آلوده بفرض  
می کردند برای چه برای اینکه آب را گل آلود  
کرده و ماهی را خودشان بگیرند بلی ما هم این را  
میدانستیم و میدانیم و بنابراین کابینه سپهدار را مرادف  
با حکومت ملی نمیدانیم پس وقتی که ما این مطلب  
را معرز کردیم و وظیفه مجلس را اینطور قرار دادیم که  
هر کس بر ضد حکومت ملی و اساس حکومت قیام بکند باید  
مورد تنفر مجلس شورای ملی واقع شود آنوقت تکلیف  
این است که باید تطبیق کرد که آیا سر کار در  
اقدام بر ضد حکومت ملی تا چه اندازه مشارکت  
کرده اند و در هر صورت مشارکت جناب عالی در اقدام  
بر ضد حکومت ملی بیش از آن قطع زدن قلمی  
است که آقای مدرس فرمودند حال اگر در همان  
وقتی که با یک حکومتی که او بر ضد اساس حکومت  
ملی قیام و اقدام کرد مشارکت کردید ضمناً یک  
کارهای خوبی هم کرده اند البته مورد تحسین  
هستید شما یک آدمی هستید قیام کننده بر ضد حکومت  
ملی و ملت خودتان منتهی دارای قلب رقیق و  
احساسات خوب میباشد که یرش از مرخصها  
مینمودید و توجهی نمیکردید و از اینکه مرخصها را  
اذیت نمیکردید شما را تقدیس میکنم اما در باب  
اصلاحات مالبه فرمودید من که اینجا نبودم و نمیدانم  
چه اصلاحاتی کرده اند ولی این هشت کرور که از  
مالیه مملکت در زمان سید ضیاء تفریط شد راجع  
باصلاحات جناب عالی بود یا خیر؟ آیا این حوالجات  
که در وجه حامل پرداخته میشد در چه زمانی بود  
در زمان کفالت جناب عالی بود یا نه؟ آیا مصارف  
مسافرت موهوم که یکی از رهبران سید ضیاء الدین  
را برای خراسان که بعقیده من باید فعلاً از او مسترد  
شود باینجه اصلاحات مالبه شمر در اجازت تفریط کارهای  
مالیه ایران این مسائل را بعقیده من باید تفکیک

کرد من هم معتقد هستم برسیدگی ولی نه در اینجا  
باقیاء نمایندگی جناب عالی ابتدا جناب عالی بواسطه  
اقدامات خودتان تشریف برید بیرون البته در ضمن  
رسیدگی باعمال تمام همدست های سید ضیاء و ضربه  
وارد کنندگان باستقلال مملکت ایران باعمال جناب عالی  
هم رسیدگی میشود من عقیده دارم اگر شرکت شدید  
شما در کودتای سید ضیاء معین شده باید غیر از  
مجموعه از نمایندگی متحمل مجازاتهای دیگری  
بشوید و اگر بفرمائید یک عده از و کلاه تقاضای  
کاری و مأموریتی کرده اند و حاضر برای مشارکت  
در جنایت سید ضیاء بوده اند بعقیده من آنها هم  
بد هستند و آنها هم در خیانت سید ضیاء الدین  
شرکت کرده اند خدا شاهد است من نسبت بشما و  
هیچکس غرضی ندارم ولی میگویم هر کس در زمان  
سید ضیاء الدین قبول کار کرده و با او شریک  
است من منکر او هستم هر چه باشد و هر که  
میخواهد باشد .  
**رئیس** - آقای مدرس مخالفند . آقای محمد  
هاشم میرزا مخالفند - آقای تدین .  
**آقای سید محمد تدین** - راجع به شبهه میخواستم  
توضیحات بدهم .  
**رئیس** - وقتی مطلب ایشان تمام شد آنوقت .  
**آقای سید محمد تدین** - میخواهم جواب  
عریضه شان بدهم .  
**رئیس** - بفرمائید .  
**آقای سید محمد تدین** - اولاً در لایحه  
اعتراضیه که خودشان قرائت کرده بودند اشعار  
داشته بودند که ما باید بدانیم حکومت سپهدار  
حکومت ملی بوده یا نبوده تقریباً مقصودشان این  
بود که در ایران حکومت ملی نبوده تا اینکه کسی  
بر ضد آن اقدام کرده باشد متأسفانه اینجا اشتباه در  
معنی حکومت ملی شده یعنی در مفهوم و مصداقش  
در مملکت مشروطه سه قوه ایکه ایجاد شده قوه مقننه  
قوه قضائیه - و قوه مجریه مجموع آنها با یک قانون  
اساسی که تکالیف و وظائف آنها را معین میکند  
عبارت از حکومت ملی است یکمده روزی که میآیند  
اسم آنها بتهنائی حکومت ملی نیست آنها یک هیئت  
دولتی هستند که اگر چنانچه شرایط اصول مشروطیت  
در انتخاب آنها موجود بود آنها را میشود گفت  
مجری حکومت هستند و اگر چنانچه نبود هیچ پس  
حکومت ملی معنی غیر از هیئت دولت است که زید  
و عمرو باشد باز در قسمت دیگر میگویند کار بر من  
تحمیل شد اینطور اظهار کردند که تقاضای کار از  
من کردند و بر من تحمیل شد که معاونت آنجا را  
قبول کنم بنده میگویم صرف تحمیل دلیل نمیشود  
که انسان خود را وادار با اقدامات غیر قانونی بکند  
زیرا مطابق اطلاعاتیکه بنده داشتم و بعضی از آقایان  
هم دارند بعضی از اشخاصی که در تهران هستند  
تکلیف کار شد و یک تهدیداتی نسبت بآنها شد که  
چنین و چنان خواهیم کرد ممالک آنها قبول نکردند  
و ترتیب اثری هم بر آنها داده نشد ثانیاً میگویند  
فشار معیشت بنده را وادار کرد که وارد بشوم اینکه  
فشار معیشت مرا وادار کرد در واقع تصدیق میکنم  
که شرکت در عملیات او داشتند و الا فشار معیشت  
دلیل نمیشود مثل اینست یک نفر برود خلاف قانونی  
بکند بعد باو بگویند چرا کردی بگویند فشار معیشت

سبب شد این دلیل تقصیر آن عباراتی است که در  
آخر لایحه میگویند که من در آنجا رفتم با حقوق  
کمتر در صورتیکه سابقاً در اداره دیگر بودم حقوق  
زیادتر بود این بود دو عبارت با هم متناقضند فشار  
معیشت با حقوق کمتر مفهومی ندارد پس فشار معیشت  
در اینجا معنی نداشته و در اداره سابق که بوده اند  
حقوقشان زیادتر بوده و اما در مسائلی که شرکت  
ایشانرا مدلل میدارد و از جمله مطالبی که کاملاً  
اثبات میکند که ایشان معتقد بوده اند شریک او بوده اند  
این است که متأسفانه خودشان در آن لایحه اینجمله  
را اظهار کرده اند که یکی از ادله که سید مرا بریاست  
بکابینه خودش معرفی کرد این بود که من طرف  
اعتماد او بوده ام آقایان از همه تصدیق میخواستند  
چه صورت ممکن است آدم طرف اعتماد باشد ؟  
البته در صورتیکه کاملاً آن دو نفر رقیق باشند و  
از مزایای اخلاقی یکدیگر مخبر بوده و در موارد  
عیدی امتحانات داده باشند تا بشوند طرف اعتماد  
یکدیگر همین طرف اعتماد بودن جناب عالی نسبت  
بسید ضیاء الدین و شما را منتخب کردن متأسفانه  
دلیل است بر اینکه شما در یک قضایایی با او  
شریک بوراید اعم از اینکه این مسئله باشد یا غیر  
این و بالاخره باز از این قضایا خیلی دارد که بنده  
محتاج میدانم تنقید بکنم اما در آن عریضه که  
بمقام ریاست نوشته اند خوانده شد اعتراضاتی دارم  
اولاً - گفته اند شعبه حق داشته است وارد  
در این موضوع بشود یا نه تصور میکنم عریضی را  
که در این زمینه عرض کرده ام شاید آقایان حق  
بدهند که از اساس صلاحیت و جریان انتخابات مردود  
بعث بشود ثانیاً گفته اند خوب بوده شعبه از من  
توضیح میخواست شعبه هیچگاه حاضر نیست مدعی  
البه حاضر کند و از او توضیح بخواهد بخصوص  
در یک امریکه اظهار الشس است شعبه بآیند  
بجزئیاتی که واقع شده مراجعه کند و او را تطبیق  
با مواد قانون کند و اما مسئله کمیسیون نسبت  
بکمیسیون شاید بنده هم معتقد باشم ولی در تقدیم  
و تأخیر حرف دارم ایشان اشتباه کرده اند ایشان  
کمیسیون خواسته اند که در آن کمیسیون تصدیق  
بشود شرکت ایشان یا عدم شرکت ایشان این مسئله  
باندازه واضح است که محتاج بکمیسیون نیست برای  
اینکه اینوصف عنوانی ایشانرا عاجلاً محروم از حق  
انتخاب می کند اما بنده عقیده دارم که کمیسیون  
بشود تا در آنجا رسیدگی شود تا چه درجه ایشان  
قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی نموده اند شاید  
درجه باشد که همین اندازه اکتفا بشود شاید درجه  
بالا تر باشد آنوقت باید حکم مجازات دیگری در  
باره ایشان صادر شود بنا بر این باین ترتیب بنده با  
کمیسیون همراه هستم و برای رفع هر گونه  
سوءفهام عرض میکنم اینکه ایشان در لایحه خودشان  
گفته اند پس هر کس در ادارت بوده با او شریک  
بوده اشتباه است ما با اعضای ادارات که مستخدم  
بوده اند و سابقه داشته اند هیچ کاری نداریم فلان  
محرر فلان اداره است با ثبات است یا رئیس اداره  
است یا مدیر اداره است مستخدم است هر حکومتی  
که آمد مأمور است وظایف خودش را انجام بدهد  
ما مقصودمان آن اشخاص است که شرکت کرده اند  
در تهیه مقدمات کودتا و بعد هم شرکت کرده اند

در عملیات سید و ایشان هم هیچ موجب نداشت که  
قبول بکنند نه فشار معیشت را میتوان گفت که باعث این  
این امر شده نه چیزهای دیگر را  
پس بنا بر این تکرار میکنم که تمام اشخاصیکه مستخدم  
ادارات بوده اند تمام محفوظند و هیچکس نظرسوئی  
بآنها ندارد فقط مقصود بنده و آقایان اشخاصی است  
که با سید شریک بوده اند در زمان سید یک مأموریت  
های مهم پیدا کرده اند .  
**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ؟ - گفته شد  
کافی است )  
**سلطان محمد خان** - آقایان کلامه برای  
دفاع خود عرض میکنم .  
**رئیس** - خیلی طول کشید مذاکرات کافی  
نیست .  
**سلطان محمد خان** - اگر آقایان مقصودی  
ندارند فرصت دفاعی بمن بدهند کمیسیون معین  
فرمایند از آقای مشیرالدوله - آقای مومن الملک  
آقای مستوفی الممالک و آقای حکیم الملک .  
**رئیس** - اینطور بی اجازه نمیشود حرف زد  
چون آقای سلطان محمد خان از نظامات مجلس بی  
اطلاعند باید ایشان را مسبوق کنیم که ترتیب اینست  
که پیشنهادی که میشود بدو بخوانند بعد از اینکه  
خوانده شد اگر لازم بتوضیح شد توضیح میخواهند  
و پس از توضیح رای میدهند شما پیشنهادی کردید  
و توضیحات خود را هم اظهار نمودید بهر حال پیشنهادی  
که آقای سلطان محمد خان داده اند راجع باین بود  
که کمیسیون معین بکنند بقرعه اگر مطالبی دارند  
بروند در کمیسیون بگویند و عدم شرکت خودشان  
را در حکومت سابق ثابت بکنند و اگر توضیحاتی  
دارند بدهند باز هم راجع بکمیسیون حرفی دارید .  
**سلطان محمد خان** - بلی حرف دارم .  
**رئیس** - بفرمائید .  
**سلطان محمد خان** - من معتقد هستم که  
بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام نکرده ام ممکن است  
در این مجلس گوشه های شنوا نباشد ولی شما تماشاچیها  
گوش دارید ...  
**رئیس** - شما حق ندارید با تماشاچیها حرف  
بزنید رو کنید به آقایان و کلاه کلبه تماشاچیها می  
شوند .  
**سلطان محمد خان** - من بر علیه حکومت  
ملی نیام و اقدام نکرده اگر اجازه بدهید ثابت می  
کنم که دیگران بر علیه حکومت ملی اقدام و قیام  
کرده اند بنده عرض میکنم که حق دفاع دارم یک  
دفعه حق دفاع باید به بنده بدهید و یک هیئتی را  
معین کنید و با یک کمیسیون تشکیل داده بر حسب  
قرعه مرکب از اشخاصیکه مشتق علیه جمهور هستند  
از آقای مشیرالدوله - مستوفی الممالک و آقای حکیم  
الملک معین بفرمائید در آنجا اگر مرا محکوم باعدم  
میکنند من طناب دار را خواهم بوسید اما بدون  
جهت نمیخواهم در آنجا کشته اغراض شخصی واقع  
شوم مطلبی نیست اگر آقایان معترض نیستند به بنده  
این حق دفاع را بدهند .  
**مدرس** - گمان میکنم که ما نمیخواهیم  
آنها را که شرکت کرده اند با آن حکومت نسبت  
به تمامشان یک جوری نشود که دیگر این مملکت  
نتواند از آنها استفاده کند قدری که وظیفه مجلس

شورای ملی است این است که آنها را از مرکز  
سیاست که پارلمان باشد دور کند وظیفه ما این است  
و لکن بعضی صحبتها و بعضی مذاکرات کم کم منجر  
میشود که خدای نخواستہ چیزهایی پیش آید که  
یک رنجش و ملالت هائی پیدا شود که بعد از این  
اسباب امتناع از آنها بجهت کارهای دیگر هم نشود  
یک مسئله خیلی صافی را کم کم میخواهند بجائی  
بکشانند که اسباب زحمت شود آقایان و کلاهی که  
اینجا هستند میدانند و عقیده شان این است که این  
سیاست مضر بحال مملکت بوده است و تطبیق یک  
موضوعی را کرده اند این نه اوقات تلخی لازم دارد  
و نه رنجش اگر امروز در مجلس شورای ملی وجود  
مرامض سیاست حوزه امروزه بدانند و وجود دیگری  
نافع باشد نه اسباب غرض میشود نه اسباب مرض می  
شود نه حالا کمیسیون میخواهد نه آئینده خواهش می  
کنم از آقایان و سلطان محمد خان که با کمال خون سردی  
صحبتهایشان را داشته و بعد از این زیاد روی نکنند  
خواهشمندم زیاد تر از این تعقیب نکنند حالا اگر آقایان  
هم که در اینجا هستند و نشان از آقا سید ضیاء تقاضای  
کار کرده باشند آنها هم با شما در عده لیاقت عضویت در  
اینجا شرکت دارند در اینکه آن اشخاص یک دولتی  
و ملت را از میان برده اند حرفی نیست حالا زیادتی  
بر فقیق دلیل بر خوبی مطلب نمیشود اگر تمام طهرانی  
ها هم با شما شرکت کرده بودند ما از جانب تمام  
ولایات دیگر و سایر بلاد ایران می گفتیم آنها هم بد  
هستند عقیده سیاسی مثل یک عقیده دینی میماند بعد  
از آنکه یک عقیده سیاسی در یک جمعی پیدا شد  
البته اجرا می کنند امروز اگر شما اکثریت  
پیدا کرده بودید و پارلمانی تشکیل داده بودید البته  
وظیفه تان این بود که ما را رد بکنید ما هم امروز  
اتفاق داریم شما و امثال شما که شرکت در این  
امر داشتید رد میکنیم نه اوقات تلخی میخواهد نه  
چیزی کمال دوستی هم در پیش است و همانطور که  
سابق دوست بودیم حالا هم باشیم گمان میکنم  
مذاکرات ختم شود زیرا چندان لطفی نه برای ایشان  
شد نه بر ما مرتب میشود یک اختلاف سیاسی جهت  
ندارد که آنقدر کارها را مشکل بکند  
**رئیس** - باید رای بگیریم به پیشنهادی که  
آقای سلطان محمد خان داده اند  
**سلطان محمد خان** - بنده عرض دارم  
**رئیس** - در این موضوع اگر بخواهید زیاد  
بر این حرف بزنید نتیجه ندارد شما یک پیشنهادی  
داده اید و تقاضائی کرده اید آن تقاضا این است که  
این امر مراجعه شود بیک کمیسیون عوض شعبه  
بیاناتی هم فرمودید آنچه که میخواستید بگویند گفتید  
و مقصودتان چه چیز است حالا در باب این پیشنهادی  
که کرده اید باید رای بگیریم  
**سردار معظم** - بنده عرض دارم  
**رئیس** - بفرمائید .  
**سردار معظم** - بنده قائل بکمیسیون هستم  
بنا بر این موافق با پیشنهاد ایشان هستم ولی یک شرط  
بنده عقیده ام اینست که این کمیسیون که بعد منعقد  
میشود صلاحیت رسیدگی در زمینه نمایندگی ایشان  
را نخواهد داشت ولی در باب مطالب دیگر راجع  
بایشان که تا چه درجه شرکت داشته اند بنده کاملاً  
موافقم که کمیسیون معین شود و معلوم شود تا چه درجه  
ایشان تقصیر دارند

**رئیس** - پیشنهادی که ایشان کرده اند این  
است که اول کمیسیون تشکیل شود و اسنادی که  
دارند ببرند بآن کمیسیون و آنجا ارائه دهند این  
موقوف خواهد بود باینکه در باب راپورت نمایندگی  
ایشان رای نهیم تا اینکه راپورت این موضوع از  
آن کمیسیون برگردد ولی پیشنهادی که جناب عالی  
می کنید اینطور نیست پیشنهاد شما این است که در  
باب نمایندگی ایشان رای بدهیم بعد تقاضای ایشان  
را قبول کنیم (گفتند بلی صحیح است)  
**سردار معظم** - بلی صحیح است  
**رئیس** - (خطاب به آقای سلطان محمد خان)  
کدام یک را قبول میفرمائید  
**سلطان محمد خان** بنده قربان عرض میکنم  
که ابتدای امر یک کمیسیون معین شود معلوم بکنند  
که آیا من در اقدام بر ضد حکومت ملی شرکت  
داشته ام یا نه  
**مدرس** - شک ندارد .  
**رئیس** - (خطاب به آقای سردار معظم) این  
پیشنهاد غیر از پیشنهاد جناب عالی است  
**سردار معظم** - بنده چون منکر هستم که  
حق دفاع بکسی داده نشود عرض میکنم آقای سلطان  
محمد خان مدعی هستند و میگویند هیچ شرکت در  
ضدیت با حکومت ملی نداشته اند ولی ما  
عقیده ام این است که ایشان شرکت داشته متنها ممکن  
است درجه مشارکت ایشان خفیف باشد بعقیده بنده  
موضوع نمایندگی ایشان عاجلاً باید رد شود ولی در  
موضوع درجه شراکت ایشان کمیسیون معین شود  
بعد از اینکه معین شد آنوقت تکلیف مجازات های  
دیگر ایشان معین خواهد شد علی الخصوص که مجلس  
را مکلف می دانم که نسبت بوقایع گذشته باید  
رسیدگی بکند و مرحله اول رسیدگی باوضاع گذشته  
از همین جا شروع بشود یعنی یک هیئتی مأمور شوند  
منتها به بقرعه بلکه از همان آقایانی که سلطان  
محمد خان تقاضا می کنند و واقعاً زمینه واقعه گذشته  
و خرابی مملکت را روشن کنند و درجه شراکت یا عدم  
شراکت ایشان را تعیین کنند  
**سلطان محمد خان** - (خارج از محل  
خود رونمایند گان و پشت به هیئت رئیس) این پیشنهاد  
آقای سردار معظم در حکم این است که اول یک شخصی  
را بکشند و قصاص بکنند بعد از آنکه در در عملیات  
او رسیدگی کنند به بیند قاتل بوده یا نبوده بنده  
عرض می کنم که اگر شما یقین دارید که بنده بر  
ضد حکومت ملی قیام نمودم در این عکار شرکت  
داشته ام .  
**رئیس** - آقا اگر می خواهید آنجا حرف  
بزنید رو باینطرف بایستید یا تشریف بیاورید اینجا  
در کرسی نطق رو بآن طرف نطق کنید  
**سلطان محمد خان** - (بدون اجازه نطق)  
من افتخاری بعضویت این مجلس ندارم ولی عرض  
میکنم اگر شماها یقین دارید که من بر علیه حکومت  
ملی قیام و اقدام نمودم چه مضایقه دارید از اینکه  
بمن حق دفاع بدهید فرض می کنم یکی از وکلا  
اقدام بقتل کرده باشد آیا باید شعبه رسیدگی باین  
مسئله بکند یا یک محکمه باید رسیدگی بکند - اگر  
یکی از وکلا را بگویند مرتکب سرفرت شده است  
آیا شعبه باید تحقیق بکند ؟ اداره مربوطه

بایستی رسیدگی بکنند کدام یکی ؟ آیا شعبه حق دارد بگوید که من برضد حکومت ملی اقدام نموده‌ام در صورتیکه شعبه یکدفعه از بنده توضیح نخواسته است

رئیس - آقای مدرس بفرمائید

مدرس - عرض بنده این است که . . .

سلطان محمد خان - بی اجازه نطق . . .

من یقین دارم آقایان حقایق را خوب فهمیده‌اند. بیش از این حرف نمی‌زنم بیش از این هم دفاع نخواهم کرد

رئیس - (خطاب به آقای مدرس بفرمائید .

مدرس - عرضی که داشتم این است که این

ترتیب ما را بجای دیگر میکشاند مثل این است که آقای سلطان محمد خان تکیه‌شان را بجائی داده‌اند و به مجلس آمده‌اند

سلطان محمد خان - تکیه بروجدان پاک

خود کرده‌ام

رئیس - خطاب بسطان محمد خان ( خیلی

حرارت بخرج میدهند .

مدرس - بواسطه اینکه سلطان محمد خان

غیر از سلطان محمد خان شمامه پیش است که با هم دوست بودیم و جدا میگویم همانطور که سید ضیاء تکیه خودش را بجای دیگر داد و ملت ایران او را

ناپود ساخت شمامه مثل همان اگر تکیه‌تان را بجای دیگر کرده‌اید انشاءالله الرحمن این ملت و همین

و کلا تکیه می‌بیند که بنظر شما نمی‌آید انشاءالله شما را هم نیست و نابود خواهند نمود .

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد و تقاضائی که

کرده‌اند یعنی کمیسیون معین بشود و رسیدگی شود بمطالبی که ایشان میگویند .

مدرس - خارج از موضوع است کمیسیون برای

چه چیز .

رئیس - تقاضائی میکنید من باید رأی بگیرم

بمیل جنابعالی که نمی‌توانم عمل کنم ( بعضی تصدیق کردند )

رأی میگیریم به تقاضائی که آقای سلطان محمد

خان کرده‌اند که کمیسیون معین شود بقرع و رسیدگی بشود بمطالبی که ایشان حضوراً گفتند آقایانی که

تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد باید رأی بگیریم به

رایورت شعبه مطیع و توزیع شده است معذالک قرائت شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات نائین و مضافاتش رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی

عرض مینماید که انتخابات نائین و مضافاتش موافق قانون بعمل آمده و اعتراضی هم از اول تابحال نرسیده

لذا شعبه دوم صحت انتخاب سلطان محمدخان نائینی را از حوزه انتخابیه نائین و مضافات آن تصدیق

مینماید اما بطوریکه پوشیده نیست مشارالیه در کابینه سیاه معاون و در قیام و اقدام برضد حکومت ملی شریک

بوده است اگر شرکت او قبل از انتخابش می بود موافق شرط نهم قانون انتخابات از حق انتخاب

محروم میگردد ولی چون شرکت مشارالیه بعد از خاتمه انتخابش بوده لذا شعبه دوم رأی قطعی رادر این موضوع منوط بتصمیم مجلس میداند.

رئیس - رأی میگیریم بنماینده گی آقای سلطان

محمد خان . . .

سلطان محمد خان - قربان حق دفاع

نمیدهد .

رئیس - آقا ما اینجا یک نظاماتی داریم که

مجبوریم رعایت بکنیم اول که شما تشریف آوردید آنجا بیاناتی که فرمودید دفاع بود .

سلطان محمد خان - باز هم دفاع دارم .

رئیس - شما راجع بکمیسیون مطالبی داشتید

اظهار فرمودید دیگر نمیشود صبر کرد تا دو ساعت بعد از ظهر .

سلطان محمد خان - من عرض میکنم یک

کمیسیون معین کنید قبول نمی‌کنید و میخواهید مرا رد کنید در صورتیکه من مستحق این مسئله نیستم

حالا بنام قانون میخواهید بنده را بکشید خیلی خوب . . .

رئیس - گمان میکنم بقدری که با ایشان باید

آزادی داده شود بیش از آن داده شد هر چه باید گفته شود گفته شد و راجع بدفاع خودشان مطالبی

اظهار کردند راجع بکمیسیون هم اظهاراتی نمودند مطالب هم واضح است هر چه گفته شود باز مکرر

است لهذا بنده مجبورم برطبق رایورت رأی بگیرم مگر اینکه آقایان بفرمایند بماند برای روز دیگر

(بعضی از نمایندگان اظهار نمودند باید رأی گرفته شود)

رئیس - رأی میگیریم بنماینده گی ایشان

آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

سلطان محمد خان - (در حالیکه نزدیک

درب خروج ایستاده بودند اظهار فرمودند) همه وجدان کش (از مجلس خارج شده و رفتند)

بعضی از حضار بمجلس توهین میکنند جسارت میکنند

رئیس - چند دقیقه تنفس است (در این موقع

حضار برای تنفس از مجلس خارج شده و پس از ده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید .)

رئیس - موضوع آقای مشیر معظم مطرح

مذاکره است آقای امین الشریعه مخالفید ؟ بفرمائید

امین الشریعه - چون در اینجا بواسطه مشارکت

داشتن بعضی باین موضوع مذاکرات عمیقہ بعمل آمده است و کاملاً در این موضوع فرمایشات کرده‌اند

بنده مفصل عرض نمیکنم ولی در رایورت شعبه که

مشمول بر سه فراز است علی‌الاصول عرایضی میکنم

فراز اولش تصدیق بصحت جریان انتخابات مشیر معظم است فراز دوم تشخیص دادن این موضوع است

که حائز شرط نهم است چون شعبه تشخیص داده است که این موضوع حائز شرط نهم است در این موضوع

هم عرایض کردن را زیاد میدانم فراز سوم این بود

آیا این تشخیص که ما دادیم که برخلاف حکومت

قیام کرده‌است چون بعد از انتخاب بوده است حائز این شرط میشود یا نه در این موضوع چون حل مسئله را

نکرده‌اند موصول بنظر مجلس میشود اولاً بنده خیلی ممنون بودم که آقای مشیر معظم مثل سلطان

محمدخان حاضر میشوند برای مدافعه و فرمایشاتشان را بیان میفرمودند بنده کاملاً جوابشان را میدادم و

موضوع را در حضور خودشان مشخص میکردم اولاً در موضوع قیام برضد حکومت ملی در اینجاست که

شد که حکومت ملی را تغییر کرده‌اند بحکومت سیه‌دار با اینکه ما ما حکومت سیه‌دار را طریق

وصول بحکومت سیدضیاءالدین میدانیم هیچ علاقمند بصحت حکومت اون بودیم و برخلاف جریان حکومت

ملی میدانستیم با وصف این عرض میکنم با آقایان که در این موضوع اشتباه کرده‌اند و حکومت ملی را

با حکومت شخصی و عملیات شخصی تشبیه کرده‌اند

حکومت ملی را ما باید بفهمیم چه چیز است معنای حکومت ملی مداخله افسراد ملت است در حقوق

سلطنتی خود مستقیماً یا غیر مستقیم این معنای حکومت ملی است حکومت ملی ایران را معرفی کرده‌اند

و مشخص کرده‌اند بمداخله افراد ملت در حقوق سلطنتی خود و حقوق انتخاب و کلا و تأسیس پارلمان

و نیز برای اساس عملیات پارلمان قوانینی را ایجاد و تأسیس و وضع کرده‌اند که آنرا ما بنام قوانین

اساسی میشناسیم معین است که این قانون ۱۵۸ ماده است و اینها قوانینی هستند که خیمه آزادی ملت

ایران را نگاهبان و نگاهدار هستند همین قدر پس است برای حکومت سیاه سیدضیاء یا دولت مجهول

نا معقول او که اغلب قوانینی را که راجع بود بحقوق جامعه ملت آنها را زیر پا گذاشت و لغو کرد اگر چه

بسیاری از قوانین دیگر را لغو کرد ولی بعقیده بنده قوانین سیاسی که عرض کردم اغلب آنها یک

پاره تکلیفاتی است که داخل در قانون اساسی شده است اساس قوانین سیاسی آن روحیکه آزادی ملت

را نگاه میدارد ( چون بنده مراجعه بقانون کرده‌ام و حاضر است اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند عرض

کنم ) بیست اصل از متمم قانون اساسی را سید ضیاء لغو کرد که غالب آن بیست اصل راجع بفصل

حقوق ملت است و راجع بفصل حقوق جامعه است راجع بقوه مقننه راجع بقوه اجرائیه و راجع بقوه

قضائیه که این سه اصل سه اصل آزادی هر دولت و ملت است این هر سه اصل را زیر پا برد پس اگر

ما میگوئیم مخالف حکومت ملی اقدام شده است و کابینه او را برخلاف حکومت ملی میدانیم از این

حیث است نه از حیث شخصیات ۴ ماده یعنی ۴ اصل از اصول قانون اساسی اولیه را لغو کرده حاضر است

رئیس - خارج از موضوع است .

امین الشریعه - بلی از فراز سوم که باید تشخیص بدیم که آیا این شرط نهم حائز مشیر معظم

میشود یا خیر بنده عرض میکنم که حائز میشود و عقیده آقایان هم همینطور است بعلت اینکه فلسفه

شرط نهم را باید ملاحظه کرد که از چه نقطه نظر این شرط جزء شرایطی شده است بنده هم

عقیده دارم که دو نظر از برای این شرط

بیش نبوده است یک نظر سطحی بوده است و یک نظر عمقی اما یک نظر سطحی که در این شرط

ملحوظ بوده است این است که اشخاصیکه خیانت میکنند بحکومت ملی من بعد خیانت نکنند و نظر

عمقی که عقیده بنده است و این طور میفهمم این است که اشخاصیکه در مراحل عمرشان یکمرتبه ولو بیست

سال قبل مرتکب امری برخلاف حکومت ملی شده‌اند اینها یک مالیخولیای خودسرانه و استبدادی در دماغ

داشته‌اند سزاوار نیست یک چنین آدمی مادام‌العمر داخل در امر ملت بشود اینطور عقیده دارم پس این

نظر عمقی در مورد کسی که وکیل شده است اولی است اما نظر مجازاتی هم می‌آید بواسطه آنکه اگر

در غیر وکیل این نظر مجازاتی ملحوظ نباشد در وکیل این نظر مجازاتی هم ملحوظ است بدو مرتبه

برای اینکه کسیکه وکیل شد خلاف بدو حیثیت کرده است یک خلاف بعیثیت حکومت ملی ، یک خلاف

بعیثیت نمایندگی کرده پس مجازات آنکه بعیثیت حکومت ملی خیانت کرده است معروم بودن - از

نمایندگی است و مجازات را قانون معین کرده ولی مجازات ثانی که بعیثیت نمایندگی مرتکب بوده‌است

آنرا باید در نظر ثانی معین نمود پس علیهذا آقای مشیر معظم راجع این شرط نهم میدانم و وکیل نمایند

رئیس - حالا باید رأی بگیریم رأی گرفته میشود بنماینده گی آقای مشیر معظم آقایانیکه

نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد تصویب نشد) رایورتی است راجع

به آقای نصرت‌الدوله آقای حاج شیخ اسدالله احضار (برای قرائت رایورت) رایورت مزبور بمضمون ذیل

قرائت شد .

شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات کرمانشاهان

نموده شرح انتخابات آنجا از قراری است که ذیلا

بر عرض میرساند در تاریخ پنجشنبه نهم ربیع الاول ۱۳۳۷

بامر وزارت داخله حکومت کرمانشاهان مجلسی در دیوانخانه از آقایان علماء و تجار و اصناف

و احزاب و سایر طبقات و رؤسای دوائر دولتی تشکیل و بموجب ماده (۱۰) قانون انتخابات یا توافق نظر

اهالی انجمن نظار را تشکیل دادند انجمن نظار مرکزی در تاریخ یکشنبه چهارم ربیع‌الاول اعلان

انتخابات را منتشر که در تاریخ ۲۳ ربیع‌الاولی ۱۴

ربیع‌الثانی جهت توزیع تعرفه و ۵ روز جهت اخذ

آراء مردم معین نمودند و برای دادن تعرفه و اخذ آراء دو شعبه در شهر معین نموده و برای قصابات

و بلوکات و ایلات باتفاق آراء ۴ شعبه به تفصیل ذیل معین کردند .

۱ - شعبه سنقر و کلیائی و بلوک پلاور و دینور و کندوله .

۲ - شعبه کنگاور و صحته و توابع .

۳ - شعبه هرسین و توابع .

۴ - شعبه کرند - زهاب - قصر شیرین - کلا و گوران و سنجان و موافق مواد قانونی انتخابات

رابطه‌ای که در صورت مجلس ذکر است انجام داده‌اند و کلیه تعرفه که در شعبات توزیع شده عبارت است

از ۳۲۴۴۰ و آراء مأخوذه ۲۰۹۷۰ بوده دوفقر شکایات از انتخابات سنقر در موقع قرائت آراء شده

یکی توسط آقا شیخ علی آخوند زاده و دیگری توسط مشهدی حسن بمهر عده از اهالی شهر رسیده

که انجمن نظارت سنقر و انجمن نظارت مرکزی اعتراضات آنها را وارد ندانسته و شرح آن در

اعتراضاتی که توسط آقای آقا شیخ علی آخوند زاده بشعبه تسلیم شده است مندرج است و بموجب

ماده ۴۵ قانون انتخابات انجمن نظار مرکزی پس از اتمام استخراج آراء و اعلان نمایندگان در هفته

اول که برای رسیدن شکایات و اعتراضات جلسه داشته یک فقره شکایات در تحت ۱۹ ماده بانجمن

رسیده بود که انجمن های جزء و انجمن مرکزی رسیدگی کرده آن اعتراضات را رد نموده و مفاد

آنها را بهیچوجه موثر در جریان انتخابات ندانسته و تقریباً فادانهاهم از قراری است که در اعتراضات

بعد جواب ذکر خواهد شد آنچه در دوسیه ملاحظه شد موافق شرحی است که در فوق بر عرض رسیده

و تلگرافی در این رسیدگی بدوسیه انتخابات بشعبه رسیده که راجع بان انتخابات آنجا اوراق و مدارک

شکایتی از سوء جریان انتخابات ارسال داشته شده است و پس از چندروز اوراق مذکور توسط آخوند

زاده واصل و خود مشارالیه برای دادن توضیحات راجع باوراق در شعبه حاضر که خلاصه شکایات و

اعتراضات بشرحی است که ذیلا بر عرض میرساند .

خلاصه اعتراضات شکایات نامه که توسط آخوند زاده رسیده است ۱ دو نفر از اعضای هریک از انجمن

های نظارت مرکزی و دو شعبه شهری بواسطه مشاهده سوء جریان انتخابات از عضویت استفاده

و این مطلب دلیل اثبات تهدید و تطمیع شمرده میشود مندرجات صورت مجلس انتخابات راجع بقضیه

استغفای اعضای مذکور شرح ذیل است .

در روز دوم توزیع تعرفه دو نفر از اعضای انجمن مرکزی و از هریک از دو انجمن جزو شهری

دو نفر در جلسات حاضر نشده ۵ نفر دیگر اعضای مذکور در انتظار حضور اعضاء غائب توزیع تعرفه

را ۵ روز تعطیل کرده ولی همه روزه حاضر شده و ضمناً به آنها کتباً لزوم حضور آنها را یادآوری

کرده‌اند ولی دو نفر اعضای انجمن مرکزی در جواب کتباً استغفای از عضویت انجمن نظارت داده

و دلیلی برای استغفای خود ذکر ننموده‌اند ۴ نفر دیگر بموجب مکتوبی که نوشته‌اند از حضور

استنکاف کرده و نظر به استغفا و استنکاف اعضای مذکور و تعطیل توزیع تعرفه و حکومت وقت با

تبادل نظر انجمن نظارت مرکزی در عرض اعضای مستغفی و مستنکف اعضای جدید انتخاب کرده و

پس از تکمیل اعضای انجمنهای نظارت بدادن تعرفه ادامه داده شده است با این تفصیل شعبه اعتراض

اول را وارد ندانسته است و اما استناد به نوشته که دو نفر از اعضای مستغفی پس از خاتمه دادن انتخاب

که آنها علت استغفای خود را بودن تهدید در انتخابات بیان میکنند نظر باینکه اشخاص مزبور در

موقع استغفای خود مطابق اوراق استغفا کدر دوسیه انتخابات موجود است ذکر دلیلی برای استغفا

نکرده و انجمن نظار هم جریان انتخابات را تصدیق کرده است لهذا شعبه باین اظهار آنها ترتیب اثری

نمیتواند بدهد (مدلول شکایات دوم) این است که با اینکه آقای آقا جمال منشی بوده‌اند صورت مجلس

بخط ایشان نیست و خود شکایات کنندگان در این باب سئوالی از معززی‌الیه نموده‌اند و آقا جمال جواب میدهد

که بنده سمت منشی گری داشته و منشیان دیگر شاهزاده اسد الدوله و آقای وکیل الملک بوده‌اند

و دوسیه مذکور بخط داهی نیست سید تصور میکند جواب این شکایات را خود آقای آقا جمال بطور

کامل داده و مطلب را توضیح کرده‌اند زیرا با داشتن دو منشی دیگر اگر منشی سیم صورت مجلس

را اعضای انجمن و خود مشارالیه که یکی از آن اعضا است امضاء و تصدیق مینماید نوشته باشد ایرادی

بر صورت مجلس و انتخابات وارد نمیشود (مدلول شکایات سیم) تکرار شکایات ماده اول که با ذکر

اسامی استغفا کنندگان است که عبارت از آقایان ذوالحسن خان و مستشارالتجار و آقا شیخ علی و

شاهزاده اکرم‌الدوله است یعنی اعضای مستغفی دو شعبه انجمن نظارت که تفصیل آن در ماده اول

ذکر شد نظر شعبه همان است که در جواب اعتراض ماده اول عرض شده است (مدلول شکایات چهارم)

راجع به تبعیض در فرستادن لجنه‌های نظارت جزو است از طرف انجمن مرکزی و بالتبعیه معروم شدن

صحنه قصر شیرین گوران - کلههر سنجان از مشارکت در انتخابات - مطابق ماده ۸ قانون انتخابات اساساً

فرستادن شعبه جزو بسته بنظر انجمن مرکزی و تصویب حکومت است و انجمن نظارت مرکزی

کرمانشاهان چهار انجمن جزو معین کرده - صحنه را جزو کنگاور - کلههر - و گوران و سنجان را جزو

محبوب داشته‌اند و از طرف انجمن های نظارت تمام اقدامات مقدماتی از قبیل نشر اعلان و تعیین موقع

دادن تعرفه و اخذ آراء و غیره بعمل آمده است و عملاً اهالی حوزه‌های انتخابیه مشارکت در انتخابات کرده‌اند

فقط ایل سنجان پس از وصول اعلان انتخابات شرحی بانجمن نظارت کردند نوشته که بواسطه بودن ایل در

گرمسیر اخذ تعرفه برای آنها مشکل است (مدلول شکایات پنجم) این است که در حوزه سنقر و کلیائی

از طرف امیر امجد اعمال نفوذ شده است و انتخابات آنجا مبنی بر تهدید بوده است و غلام موسی نامی

که میگویند از اشرار است از طرف امیر کلا بنجارت و از رعایای کندوله و پشت در بند خواسته است در موقع اخذ

تعرفه جلو گیری کند و دو نفر مجروح شده‌اند و دوسیه عدلیه شاهد ادعا فرار داده شده است اولاً

مخالفتی با قانون انتخابات در جریان و عملیات انتخابیه کرمانشاهان ندیده و بالتبعیجه صحت انتخابات آنجا و نمایندگی شاهزاده نصره الدوله را به (۱۹۴۳۶) و آقای معتضد الدوله را به (۱۸۶۷۵) رای تصدیق مینماید  
**رئیس -** نسبت باین راپورت مخالفی هست  
**طباطبائی -** بنده مخالفم .

**رئیس -** پس میماند برای روزشنبه راپورتی است راجع به آقای طباطبائی قرائت میشود آقای حاج شیخ اسدالله راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه ساوجبلاغ و شهریار و توابع و نمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی نموده انتخابات حوزه مزبوره بقرار ذیل است .

انجمن مرکزی در تاریخ ۲۸ ذی حجه ۱۳۳۷ درقریه کردان تشکیل گشته و پس از اعلان انتخابات مدت ۱۶ روز در ساوجبلاغ تعرفه داده و ۵ روز اخذ رای نموده اند و در حوزههای جزء از قبیل شهریار و بلوک برقان و اشتهارد انجمن های جزء تشکیل و مطابق قانون انتخابات را جریان و خاتمه داده اند و آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی با کثرت ۶۷۵۶ رای منتخب شده اند چیزی که در دوسیه دیده شده این است که در فشنده که در جدول انتخابات جزء حوزه های جزء نوشته شده انجمن جزء تشکیل نگشته شعبه در مقام کشف علت برآمد معلوم شد بواسطه قرب و نزدیکی بکردان انجمن مرکزی تشکیل انجمن را در آنجا لازم ندانسته و چند فقره شکایات هم در دوسیه بوده چون مواد شکایات با دلایل کافی دیده نشده شعبه نتوانست به شکایات ترتیب اثر بدهد و پس از افتتاح مجلس هم شکایاتی نرسیده لذا شعبه ششم با اتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی را از حوزه ساوجبلاغ و توابع تصدیق مینماید .

**رئیس -** راجع باین راپورت مخالفی نیست (گفته شد خیر) رای میگیریم بنماینده کی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میفرمایند قیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد چون ظهر شده است بقیه اعتبار نامهها را اگر تصویب نمائید بماند برای روزشنبه چهار ساعت قبل از ظهر .

**مدرس -** بماند برای یکشنبه چون روزشنبه شعبهها کار دارند .

**آقا سید یعقوب -** بنده پیشنهاد میکنم روز یکشنبه باشد .

**رئیس -** پیشنهاد میشود جلسه روز یکشنبه باشد آقایانیکه روز یکشنبه را برای تشکیل جلسه تصویب مینمایند قیام فرمایند .  
 (اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد .  
 مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس موتمن الملک

انجمن نظارت حوزه سنقر و علمای آنجا و طبقات دیگر اهالی صحت و آزادی جریان انتخابات آنجا را تصدیق کرده اند و راجع به مجروح شدن دونفر هم تکذیب نموده اند ثانیاً يك ورقه که موسوم به دوسیه عدلیه نموده و ورقه نظام دیوان که مدرک اظهار شکایت کنندگان قرار داده شده است بهیچوجه از اعمال نفوذ تهدید در جریان انتخابات حاکمی نبوده بلکه مربوط به استرداد اموال غلام موسی میباشد بنابراین دوسیه عدلیه و اعتراض بجریان انتخابات برای شعبه مکشوف نگردید و این اعتراض غیر وارد است و مدلول اعتراض ششم (اعمال نفوذ در حوزه هر سین است که از طرف امیرکل بوسیله اعظم السلطنه میگویند اعمال شده است و برای تأیید این ادعا دو فقره مکتوب یکی بامضای حسن نام و دیگری بامضای رئیس العلماء ارائه مینماید شعبه پس از دقت در صورت مجلس هر سین و نیافتن هیچ نوع شکایتی در موقع جریات انتخابات و تصدیق صحت آن از طرف انجمن نظارت که از جمله رئیس العلماء بوده است این شکایت را وارد ندانسته و مورد توجه قرار نمیدهد (مدلول شکایت هفتم) راجع بحوزه کردند هم يك فقره شکایت بمهر ۲۳ نفر و يك سیوالی از سیف السادات نام که مستخدم امنیه بوده است ملاحظه شد نظر باینکه اظهارات آنها دلیل و مدرکی نداشت طرف توجه شعبه واقع نگردیده (مدلول شکایت هشتم) راجع به کنگاور اخیراً ورقه سؤال و جوابی منتسب به شیخ عبدالصمد رئیس انجمن کنگاور از طرف آقا شیخ علی بشعبه داده شده که در جواب مینویسد که منتخبین را غالب رأی دهندگان نمی شناسند و از سوء جریان انتخاب مکرر ایراد نمودم جوابی نشنیدم اولاً آقا شیخ عبدالصمد در صورت مجلس انتخابات کنگاور صحت جریان انتخابات را تصدیق نموده و تا موقع دائر بودن امر انتخابات بهیچوجه تعرض نکرده بعلاوه مهر این سؤال با مهری که در صورت مجلس انتخابات است بکلی مخالف و در صورتیکه این ورقه را بایشان هم میتوان نسبت داد براین اعتراض که مدتی بعد از جریان انتخابات و بعد از تصدیق حتمی که در موقع خود شده ترتیب اثری نمیتوان داد اورا قی هم که راجع به تهدید آقا شیخ علی و غیره بآن استشهاد میشود در آن ذکری از انتخابات نبوده بلکه حاکی از باره اعتراضات اخلاقی است که نسبت به آقا شیخ علی آخوندزاده در دو ورقه بی امضاء نوشته شده داده اند که ذکر آنها در راپورت غیر لازم و خارج از نزاکت است در مقابل شکایات واصله عدله کثیری از طرف احزاب و طبقات مختلفه علماء و آقایان و اهالی شهر و اطراف و ایلات از قبیل کلهر تلگرافات عیدیه بامضای معارف مبنی بر تصدیق صحت انتخابات آن حدود و تکذیب شکایت کنندگان مخابره کرده اند شعبه پس از مذاقه کامل